

نظام‌ها و نظام‌گرایی در اندیشه اجتماعی آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری (ره)

عبدالحسین مشکانی سبزواری

دکتری فلسفه علوم اجتماعی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)

چکیده

یکی از کلید واژه‌هایی که در تفسیر مواهب‌الرحمان آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری به کار رفته، نظام است. با توجه به رویکرد وی در باره حاکمیت اسلامی، این نظام‌ها معنای ویژه می‌یابند. وی که کل هستی را درون نظام احسن می‌بیند برای امور عبادی نیز نظام‌هایی به تصویر می‌کشد. نظام احسن، نظام تکوین و تشریح، نظام المجتمع، نظام المعاد و المعاش، نظام الاسره، نظام التربیه و نظام العبودیه مواردی است که وی بدان‌ها پرداخته و بیشتر درباره ابتدای قوام اجتماعی و نظام معاش و معاد بر آنها تأکید کرده است.

واژگان کلیدی: سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، اندیشه اجتماعی، اندیشه سیاسی، نظام المجتمع، نظام المعاش و المعاد، نظام الاسره.

سید عبدالاعلی موسوی سبزواری فرزند علامه مهذب سید علی رضا سبزواری است. از نظر نسب وی از طریق امام موسی کاظم(ع) به امیرالمؤمنین علی(ع) منتهی می‌گردد. وی علوم حوزوی را نزد پدر آغاز نمود و در دروس حوزه مشهد مقدس شرکت کرد. سپس به نجف اشرف عزیمت فرمود و در آنجا توسط آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ میرزا محمد حسین نائینی، شیخ محمد حسین اصفهانی، شیخ آقا ضیاء الدین عراقی و شیخ عبدالله مامقانی تعلیم دید و به دست همین بزرگان اجازه اجتهاد یافت. علاوه بر فقه و اصول در فلسفه عرفان نیز از محضر سید حین لاهیجی بادکوبی و سید علی قاضی طباطبایی تبریزی کسب علم نمود. در علوم قرآنی شاگردی شیخ محمد جواد بلاغی نمود. از وی بیش از ده عنوان کتاب فقهی به جای مانده که مهذب الاحکام وی در ۳۰ جلد مهم ترین آنهاست. در فلسفه و کلام نیز نگاهشته‌هایی از وی به جا مانده است که تعلیقه بر اسفار را می‌توان مهمترین آنها دانست. کتاب‌های وی در حوزه تفسیر قرآن کریم نیز خوش درخشیده‌اند. از ۵ عنوان کتاب فلسفی‌اش می‌توان مواهب‌الرحمان را ذکر کرد که تاکنون یازده جلد آن به چاپ رسیده است. تهذیب الاصول نیز کتاب اصولی وی است که در دو جلد نگارش یافته است. بسیاری وی را در علوم گوناگون صاحب نظر دانسته و بر این باورند که در فقه و اصول، فلسفه و کلام و تفسیر نوآوری‌های شگرفی داشته است.^۱

نظام‌ها و نظام‌واگی
در اندیشه اجتماعی
سید عبدالاعلی
سبزواری

وی از معدود فقهایی است که دارای اندیشه اجتماعی و سیاسی نسبتاً منسجمی بوده و مبانی فقهی خود را بر اساس آن سامان داده است. ایشان با ترسیم نظام‌های کلان و خرد جایگاه آنها را در نظام خلقت تبیین و در بسیاری مواقع آسیب‌ها، راه حل‌ها و عوامل اختلال آنها را بیان می‌کند. ایشان با رویکردی وحیانی عقلانی در صدد بیان اهمیت این نظام‌ها بر می‌آید و به مناسبت‌های گوناگون درباره آنها سخن می‌راند. این نوشتار به صورت اختصار به اندیشه سیاسی و اجتماعی او اشاره نموده و برخی نظام‌هایی را که سید بدان‌ها پرداخته بیان می‌دارد. لازم به ذکر است با توجه به اینکه مباحث اجتماعی وی بیشتر در کتاب تفسیر مواهب‌الرحمان نضج یافته و این کتاب در حال حاضر به چاپ کامل نرسیده است، گفتارها بر اساس مجلدات چاپ شده سامان یافته و انشاءالله با تکمیل چاپ آن نوشتار بسامان شده و نظریه اجتماعی وی نیز استخراج خواهد شد.

معرفی مواهب‌الرحمان

این تفسیر یکی از تفاسیر جامع و متقن شیعه در دوره‌های اخیر است، زیرا از زاویه‌ای علمی به ابعاد مختلف ادبی، لغوی، بلاغی، فقهی، کلامی، اجتماعی، فلسفی و عرفانی پرداخته و در هر قسمت به تناسب وارد بحث شده است.

روش تفسیر اجتهادی و در عین حال جمع بین معقول و منقول است، شامل همه آیات قرآن می‌شود و با نثری روان و بدون پیچیدگی و تفنن در عبارات مطالب را ارائه داده است.

۱. برای مطالعه بیشتر درباره زندگی سید رک: مشکانی، عباسعلی، فقهی از کرانه کویر، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰.

ایشان قبل از ورود به تفسیر در مقدمه‌ای کوتاه انگیزه و شیوه خود را اینچنین بیان می‌دارد: «اکثر مفسرین، قرآن را به رنگ و بوی علمی که با آن مأنوسند، تفسیر کرده‌اند، فلاسفه، متکلمین، فقها، عرفا، صوفیه، اهل لغت، اهل حدیث و دیگران. تلاشم این است که تفسیر به رأی نکنم، و تفسیر قرآن را به قرآن ارائه دهم، و با آنچه از ائمه (ع) در تبیین آیات آمده، در آمیزم، و آنچه مورد پذیرش و اتفاق جمیع اهل شریعت است، به آن اضافه نمایم و در نهایت، آنچه را که می‌توان با قرائن معتبر از آیات استظهار کرد، کنار آن ذکر نمایم».

ایشان تحت عنوان «بحوث المقام» به بحث‌های متفاوتی می‌پردازد. از آن جمله: بحث ادبی، بحث دلالتی، فقهی، روایی، فلسفی، کلامی، عرفانی، علمی، اخلاقی و اجتماعی.

در بحث ادبی، به تجزیه و ترکیب و قرائت می‌پردازد و وجوه مختلف آن را بیان می‌نماید و گاه نیز بحثی تخصصی ادبی ارائه می‌نماید. در «بحث فقهی»، متعرض مسائل فقهی آیات می‌شود و تا حدودی به استدلال بر آن طبق مذهب امامیه، می‌پردازد، اما تفصیل آن را به کتب فقهی بدون ذکر نام یا کتاب «مذهب الاحکام» خود ارجاع می‌دهد. در «بحث روایی» ایشان، روایات قابل اعتماد را از کتب روایی و تفسیری، در تفسیر آیات را ذکر می‌کند و معمولاً همراه با اظهار نظر درباره مضمون، دلالت، سند یا رجال آن، می‌باشد.

گاهی نیز به بحث‌های علمی در موضوع مناسب با آیه می‌پردازد. طالب اخلاقی نیز از مواردی است که مصنف، مطرح می‌نماید

مجموعه مباحث بالا نشان دهنده، جلوه موضوعی این تفسیر می‌باشد، که مصنف با احاطه در هر بحث موضوعات گوناگون را به تناسب آیات، مطرح کرده است و تفسیر ترتیبی خود را رنگ موضوعی نیز بخشیده است.

اندیشه سیاسی اجتماعی

نگاه وی به احکام و جامعیت اسلامی به گونه‌ای است که در پرتو نظام تکوینی و نظام تشریعی تمامی امور مربوط به عباد را به صورت نظام‌وار تبیین می‌کند. وی بر این باور است که جامعیت اسلام از یک سوی و در هم تنیده بودن سعادت دنیوی-آخروی و فردی-اجتماعی می‌طلبد تا به صورت نظام‌مند به امور عباد نظر افکند.

اندیشه اجتماعی وی از همین جا شکل گرفته و به اندیشه سیاسی وی در باب نظام ولایت فقیه کشیده شده است. وی با تمسک به فطری بودن معارف فقهی، برای آن غنای لازم برای حکومت داری و جامعه سازی قائل است (ن.ک. سبزواری، مذهب الاحکام، ۱۶: ۳۶۵-۳۶۸).

در نظر ایشان تمام فقه اسلام دستور و برنامه است و هیچ فعلی از افعال مکلفان نیست مگر آنکه مشمول یکی از احکام خمس است و هنر انسان صالح و بنده خوب خداوند آن است که این موازین را بشناسد و با برنامه‌های اسلام که راه و رسم زندگی است آشنا گردد و پیاده کند.

وی مانند میرزای نائینی بر این باور است که اسلام برای تمامی جهاتی که انسان به آن احتیاج دارد احکام و برنامه دارد. ایشان تمامی شؤون انسانی را مشمول این قاعده می‌دانند. از

همین روی است که وی نیز بر این باور است که دین اسلام باید حاکمیت را در دست گیرد و در زمان غیبت این مهم به دست ولی فقیه جامع الشرائط انجام می‌گیرد. وی در کتاب شریف مذهب الاحکام به شرایط و ویژگی‌های رهبر سیاسی و ولی فقیه پرداخته است (همان، ۵: ۸۶). ایشان ولایت فقیه و اطاعت از او را امری فطری و عقلانی دانسته و بر این باور است که:

مقتضى فطرة الأنام أن الفقيه الجامع للشرائط بمنزلة الإمام عليه السلام إلا ما اختص المعصوم به (همان، ۱: ۱۱۵)؛ فطرت انسانی اقتضا می‌کند که فقیه جامع شرایط مانند امام معصوم (ع) است مگر در مواردی که به عصمت او اختصاص دارد.

وی در بیان دیگری در استدلال بر ثبوت ولایت فقیه، علاوه بر استدلال به فطری بودن به عقلایی بودن آن نیز استدلال نموده و می‌نویسند:

أن ما ثبت للنبي صلى الله عليه وآله والإمام عليه السلام من حيث الزعامة الكبرى والزعيم الديني من الأمور الفطرية التي يرجع فيها كل ذي ملّة ونحلة إلى رئيسهم الدين فهذه سيرة عقلانية في جميع الأعصار والدهور وهي متبعة في الشريعة الإسلامية إلا مع وجود دليل خاص على الردع ولا رادع عنها في البين، فتشملها إطلاقات الأدلة وعموماتها (همان، ۱۶: ۳۶۶).

با توجه به همین مبانی اندیشه‌ای است که وی در عمق حکومت بعثی صدام به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشغول بوده است. مهم‌ترین فعالیت‌های سیاسی او را می‌توان حمایت از انتفاضه شیعیان و موضع‌گیری درباره حرمت حمله صدام به کویت دانست. وی در سال ۱۴۱۱ قمری با صدور یک بیانیه سیاسی جبهه سیاسی خود را در صحنه عراق روشن ساخته است. وی در همین بیانیه اهتمام به نظم در امور انقلابیون را مورد تأکید قرار داده و آن را لازمه پیروزی دانسته است. در این مقاله تنها به گوشه‌ای از اندیشه اجتماعی او که نگاه نظام‌وار است، می‌پردازیم.

نظام

معنای لغوی و اصطلاحی

در لغت نظام از نظم به معنای کنار هم چیدن و مرتب ساختن گرفته شده است. النون و الظاء و الميم: أصل يدل على تأليف شيء و تأليفه. نظام را بیشینه لغتنامه‌ها به عنوان نخی در نظر گرفته‌اند که مانند لؤلؤ را کنار هم چیده و بدان شکل منسجم می‌دهد: النظام: كل حيط ينظم به لؤلؤ أو غيره فهو نظام، و الجميع نظم، و فلك النظم و التنظيم (ن.ک. المحيط في اللغة، ۱: ۳۵۰؛ معجم مقاییس اللغة، ۵: ۴۴۳).

معنای اصطلاحی نظام نیز که با واژه سیستم در زبان لاتین هم معنا تلقی می‌شود کاربردهای فراوانی دارد. نظام فردی، نظام سیاسی، نظام اجتماعی و... شاید بتوان وجه اشتراک همه این معانی را هماهنگی دو یا چند مؤلفه جهت رسیدن به هدف واحد دانست:

نظام عبارت است از یک شیء پیچیده که هر بخش یا جزء با سایر اجزای آن مرتبط است. (مثلاً، خانواده، مدرسه، شرکت و شبکه‌های غیر رسمی). یک شیء، خرده نظام است، اگر هم نظام باشد و هم بخشی از یک نظام دیگر (مانند دانشگاه و دولت) و یک شیء ابر نظام (supersystem) است، اگر متشکل از نظام‌ها باشد (مانند زنجیره‌ای از سوپرمارکت‌ها یا یک جامعه کل) (ماریو بانگ، نظام‌گرایی: ۱۰۲).

نظام‌گرایی واژه دیگری است که اندیشمندان بدان متصف شده‌اند. بانگ ماریو نظام‌گرایی را این گونه توصیف کرده است:

نظام‌گرایی (systemism) هم بدیل فردگرایی است و هم بدیل کل‌گرایی، زیرا هم فرد و هم نظام، به ویژه عمل فردی و ساخت اجتماعی را تبیین می‌کند. در واقع، نظام‌گرایی مفروض می‌گیرد که همه چیز یا نظام است و یا جزئی از یک نظام. هر نظامی را به عنوان یک امر سه جزئی (اجزاء، محیط و ساخت) الگوسازی می‌کند. از این‌رو، دربرگیرنده خصلت‌های معتبر سایر هم‌تایان خود می‌باشد. علاوه بر این، نظام‌گرایی برخی از اصول تعمیم‌دهنده را عرضه می‌کند که متخصصان را از درگیر شدن در جزئیات و در نتیجه، از دست دادن نظریه بازمی‌دارد (همان: ۹۸).
با این تعریف از نظام و نظام‌گرایی باید سراغ چند متن در دسترس سید عبدالاعلی رفته و گوشه‌هایی از اندیشه اجتماعی ایشان را به نظاره نشست.

کاربردهای نظام در کلام سید عبدالاعلی

وی که در روش‌شناسی به صورت وحیانی - عقلانی به استدلال و استنباط می‌پردازد درباره نظام‌ها نیز چنین می‌اندیشد.

این اندیشه وی را می‌توان از نوع تقسیم‌بندی و ارتباط دهی بین نظام‌ها و نیز عوامل اختلال در نظام‌ها استنباط نمود. هم چنین وی یکی از مبانی استنباطی خود را عدم اختلال نظام قرار داده است. این بدان معنی است که وی اندیشه نظام‌وار داشته و به عبارتی نظام‌گرا بوده است. وی بر این باور است که وحدانیت الهی و نیز حکمت تام او به همراه ربوبیت ذات باری مخلوقات را برای هدف صحیحی خلق کرده است که لازمه رسیدن به هدف او مطابقت کل خلقت با نظام محکم و قواعد علمی است: *أَنَّهَا خَلَقَتْ لِأَعْرَاضٍ صَحِيحَةٍ وَفَقَ نِظَامٍ مُحْكَمٍ وَقَوَاعِدَ عِلْمِيَّةٍ مُتَقَنَّةٍ، وَ إِنِّهَا تَدُلُّ عَلَى وَحْدَانِيَّةٍ وَ حَكْمَتِهِ التَّامَةِ وَ رَبُوبِيَّتِهِ الْعَظِيمَةِ* (همان، ۲: ۲۳۱)؛ همانا خداوند برای اهداف صحیحی که در راستای نظامی محکم و قواعد علمی متقن است خلق می‌کند و این دال بر وحدانیت، حکمت تام و ربوبیت عظیم الهی است.

نظام تکوین و نظام تشریح

وی اولین و بنیانی‌ترین نظام را نظام تکوین و تشریح می‌داند که بر آمده از رحمانیت و رحیمیت اوست. بر پایه این نظام است که تمامی نظام‌های دیگر معنا پیدا می‌کنند. ایشان درباره تعریف و جایگاه این دو نظام می‌گوید:

من أهم مصادیق الرحمانیة تنظیم عالم التکوین بأحسن نظام و من أجلی مصادیق الرحیمیة تنظیم التشریح بأکمل نظام (همان، ۱: ۹)؛ از مهمترین مصادیق رحمانیت الهی نظام‌مند ساختن عالم تکوین با نظام احسن است. نیز از روشن‌ترین مصادیق رحیمیت الهی نظام‌مند ساختن و ارائه نظام تشریح به کامل‌ترین گونه است.

وی پس از بیان این نکته که نظام احسن و اکمل در قالب نظام تکوین و تشریح ارائه شده است به بیان آثار نظام تشریح می‌پردازد:

و أثر التشریح إنما یظهر بالنسبة إلى المؤمنین العاملین به اختصاص الرحیمیة بالآخرة من هذه الجهة، فهو تعالی رحیم فی الدنیا بالتشریح و فی الآخرة بالجاء علیه (همان).

در واقع در اندیشه وی نظام تکوین و تشریح نظامی است که نظام احسن بر آن مبتنی است و نظام تشریح را نیز برآمده از رحمانیت خداوند دانسته و همان را عامل مؤمن بودن مؤمنین به شمار می‌آورد.

ارتباط نظام تکوین و تشریح در نظر ایشان بسیار جالب است:

و العهود الإلهیة و إن كانت تعد من الأمور التشریحیة لکن کل تشریح له دخل فی نظام التکوین، لأن جمیع جهات التشریح ترجع إلى تریبة الإنسان الذی هو المقصد الأقصى من نظام التکوین فیرجع التشریح الیه (همان، ۱: ۲۰۲)؛ عهود الهی هر چند در زمره امور تشریحی شمرده می‌شوند اما هر تشریحی ریشه‌دار نظام تکوین دارد چه اینکه تمام جهات تشریح به تربیت انسان بر می‌گردد که آنهم مقصد نهایی نظام تکوین است و نظام تشریح هم بدان باز می‌گردد.

در جای دیگری ایشان نظام تشریح را غایت و منتهای نظام تکوین می‌شمارد:

لأن إبراز المعجزة و خارق العادة علی أیدیهم له دخل فی نظام التکوین، كما أن التشریح كذلك بل هو غایة نظام التکوین (همان: ۱۱۵)

وی از این نیز بالاتر رفته و بر این باور استوار می‌شود که نظام تشریح اصل در بناء نظام تکوین است و اگر نبود نظام تشریح نظام تکوین هیچ اثری نداشت چه در دنیا و چه در آخرت (همان، ۵: ۲۲۶).

در بیان دیگری وی به ارتباط برخی کنش‌های انسانی با این نظام‌ها می‌پردازد و به عنوان نمونه برخی از کنش‌های انسانی که برآمده از شریعت است را مؤثر در نظام تکوین و تشریح می‌شمارد:

و یصح أن یکون تشریحیاً لوجوب الهجرة عقلاً و شرعاً لإعلاء کلمة الله تعالی كما کان شأن جمیع الأنبیاء و الرسل و الأولیاء، فکما أن للهبوط دخلاً فی نظام التکوین تكون للهجرة دخل فی نظام التشریح فهذا الأمر تکوینی من جهة و تشریحی من جهة أخرى (همان: ۱۷۴).

همچنین وی صبر را به عنوان یکی دیگر از رفتارهایی می‌شمارد که در نظام تکوین و تشریح دخالت دارد:

و قد عدَّ الصبر في السنَّة المقدَّسة من جنود العقل و ضده من جنود الجهل، فهو من حيث كونه من جنود العقل له دخل في نظام التكوين، و من حيث إنه الإيمان، أو جزء الإيمان له دخل في نظام التشريع (همان، ۱: ۲۱۴)؛ صبر در سنت مقدسه از جنود عقل شمرده شده است و بی تابی از جنود جهل از این رو که صبر از جنود عقل است در نظام تکوین دخالت دارد و از آن جهت که صبر خود ایمان و یا بخشی از ایمان است با نظام تشريع گره خورده است. در واقع وی در راستای نظام تکوین سعادت بشر را نیز رقم می‌زند. در راستای همین مهم است که وی ارسال رسل و نبوت را هر چند خود در درون نظام تشريع و یا عین نظام تشريع است را در راستای تحقق نظام تکوین می‌داند:

أما الأولى فهي كالنبوة العامة فإنها و إن كانت من جهات التشريع لكن لها دخل في نظام التكوين أيضا، فإن تكميل النفوس الناقصة بالمعارف الحقة الواقعية من أهم جهات التكوين، و لا يتم ذلك إلا بإرسال الرسل و بعث الأنبياء و إنزال التشريعات الإلهية، و جعل التشريع بلا وجود قوة مجرية لغو، و هو قبيح بالنسبة إليه عزَّ و جل (همان، ۲: ۱۹)

در این بیان سید بر این باور است که نبوت و ارسال رسل برای کمال انسان‌ها تشريع شده و کمال نیز از مهمترین جهات نظام تکوین است. و البته از همین سخن نیز ضرورت مجری بودن نبی را نیز استنباط کرده است.

از آنجایی که وی عالم غیب را اقوی عوالم هستی می‌داند ارتباط هر دو نظام را در سایه سار ارتباط با خالق می‌داند و بر این باور است که این ارتباط دوسویه است:

ما سوى الله تعالى في جميع العوالم العلوية و السفلية يرتبط بخالقه و صانعه بأقوى الروابط و العلاقات يستلهم تدبيرات شؤونه من خالقه و صانعه، كما أن الخالق و الصانع يرتبط بمصنوعاته، و بهذين الارتباطين يقوم نظام التكوين من أوج المجردات إلى حضيض الماديات (همان، ۲: ۱۹۵)؛ غیر ذات حق در جميع عوالم عالی و دانی با خالق و صانعشان در وثیق ترین و قوی ترین ارتباط قرار دارند تا در این ارتباط تدبیر شئون زندگی شان را از سوی خالق و صانع دریافت نمایند. همانگونه که خالق و صانع با مصنوعاتش در ارتباط است. و به این ارتباط دوگانه است که نظام تکوین از عرش مجردات تا فرش مادیات را قوام بخشیده است.

در ادامه ایشان نظام تکوین و تشريع را از راه وحدت اجتماعی می‌داند. در این گفتار وی در پی آن است تا با یک نگاه اجتماعی به امر اختلاف و اتحاد نظر افکند:

و هذه الآیة المباركة دعوة عقلية إلى نبذ الاختلاف و العصبية و الأهواء، و هی تدعو الناس إلى الوحدة و الاتحاد بين جميع أفراد البشر في المبدأ و التشريع و المعاد، و الترغيب إلى الإيمان بأصل الدين الذي لا خلاف فيه بين جميع أنبياء الله تعالى. فكما أن البشر متحدون في أصل التكوين الإلهي كذلك لا بد و ان يكون بينهم اتحاد في نظام التشريع الربوبي. و الاختلاف إنما

ينشأ من المصالح الزمنية، و ما يقتضيه السير التكاملي في الإنسان، كما أنه يختلف حفاظ الوحي باختلاف العصور و القرون (همان: ٦٤).

وی از وحدت در نظام تکوین الهی به وحدت در نظام تشریح استدلال می کند و بر این باور است که نظام تشریح ربوبی نیز بر اساس نظام تکوین باید به وحدت برسد و اختلافات موجود در شریعت ها را جزو لاینفک مصالح زمان دانسته و بر این باور است که سیر تکاملی انسان به سوی معاد شریعت او را با شریعت های پیشین دگرگون ساخته است و البته این اختلاف اختلافی حقیقی نیست.

نظام دنیا و آخرت

وی نظام دیگری با عنوان نظام دنیا و آخرت را ترسیم نموده که می توان آن را استمرار نظام تکوین و تشریح دانست. ارتباط بین این دو نظام کاملاً وثیق و در هم تنیده است: و تبیین الآيات المباركة أن الإسلام نظام دين و دنیا یکمل أحدهما الآخر، و لا يمكن الاستغناء عنهما أبدا (همان، ١٠: ٢٦٧)؛

در واقع ایشان در پی استدلال بر این مهم هستند که دین متکفل امر دنیا و آخرت است و بین این دو هیچ تفکیکی وجود ندارد چه اینکه اسلام نظام دین و دنیاست و هر کدام از اینها دیگری را تکمیل می کند و هیچ گاه نمی توان اینها را از هم بی نیاز دانست. این مهم مبنای فقه سیاسی و اندیشه سیاسی سید را شکل می دهد و با همین استدلال او می توان نگاه جامعیت و شمولیت دنیوی و اخروی نظام اسلام را درک کرد.

نظام آخرت در نظر ایشان همان نظام تشریح است، اما نظام دنیا به زندگی دنیایی و عمل به نظام تشریحی نظر دارد. وی قوام نظام دنیا را در شهوات و اعتدال در آنها می داند. شهوات دنیایی شامل جنسی، مال، زینت، تفاخر و ریاست است که بسیاری از جامعه شناسان نیز بدان می پردازند: قد جمع سبحانه و تعالی اصول الشهوات التي يقوم بها نظام الدنيا في الآية المباركة المتقدمة، و هي شهوات الجنس و المال و الزينة و التفاخر و الرياسة (همان، ٥: ١٣٣).

در واقع وی بر این باور است که شهواتی که به صورت تکوینی خداوند در وجود انسان قرار داده است مبنای شریعتی است که نظام دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی بشر را سامان می دهد.

راهکار عدم خروج از نظم دنیا به نظر ایشان همان شریعت است که بدان اشاره شد. ایشان در این باره معتقدند که بر اساس قضیه عقلیه حقیقیه، حقیقت دین و دستورات الهی متکفل تصحیح نظام دنیا و آخرت هستند. از همین روی است که ایشان بنیان شریعت را که توحید است محور نظام دنیا و آخرت می داند:

و تدل الآیة الشریفة علی أدب المحاجة، حیث لم یقل سبحانه و تعالی: «فان حاجوک فأعرض عنهم»، لأن الدعوة عظيمة و لا یلیق بها الإعراض أصلاً، فلا بد من التثبت حتی تحصل نتیجة، و

نظام ها و نظام واهی
در اندیشه اجتماعی
سید عبدالاعلی
سبزواری

هی إعلان التوحید الذی هو أساس التریبۃ الإنسانیة الكاملة، فہی محور نظام الدنیا و الآخرة (ہمان، ۵: ۱۳۷).

وی از آیہ شریفہ استفادہ کردہ است کہ محور نظام دنیا و آخرت تربیت انسان کامل است کہ آن ہم جز از راہ محاجہ و ابلاغ توحید انجام نمی گیرد. ایشان ہم چنین اعتقاد بہ مجرد بودن اصل انسان و عدم باور بہ مادی بودن ذات او و ذات باری را از مقومات نظام دنیا و آخرت بر می شمارند (ن.ک. ہمان، ۲: ۱۸۵).

در جای دیگری تقوا را بہ عنوان اساس نظام دنیا و آخرت بر شمرده و خروج از آن را مختل بہ نظام دنیا و آخرت می داند:

و هذا هو دأب القرآن فی جمیع آیات الأحکام و لم یہتم بشیء من الفضائل کاهتمامہ بالتقوی، لأن تقوی اللہ تعالی أصل الإنسانیة الكاملة و السعادة الأبدیة و بہا یتم نظام الدنیا و الآخرة فہی أصل الأصول و محور الأخلاق الفاضلة.

اہتمام بہ تقوا و اثر تکوینی و تشریحی آن بر ہدایت انسان و نیز سامان مندی نظام دنیا و آخرت نشان از جایگاہ ویژه عالم غیب در نظام فکری ایشان دارد. بنابراین می توان ابتدای نظام سازی دنیوی بر شریعت کہ خود مبتنی بر عالم تکوین است را از اصول نظریہ نظام دنیای ایشان دانست. در واقع وی بر این باور است کہ اصول نظام دنیا بر پایہ عمل بہ نظام تشریح است.

نظام اجتماعی

نظام اجتماعی بہ نظر ایشان شامل نظام عامی است کہ شامل تنظیم نظام عمومی، تحصیل معاش و تحقیق سعادت اخروی است. در این نظام است کہ عدالت اجتماعی تثبیت شدہ و حیات فردی و اجتماعی انسان با راہکارهای شریعت منظم می شود:

تتضمن الآیات الکریمۃ المتقدمة علی أهم الأحکام و التشریعات الإلهیة الّتی لها دخل کبیر فی تنظیم النظام العامّ و تحسین المعاش و تحقیق السعادة، و اشتملت علی أهم القواعد العامّة الّتی تمسّ حیاة الإنسان مطلقا (ہمان، ۱۰: ۲۶۷).

نظام اجتماعی از منظر او قوامش بیشتر بہ عدالت اجتماعی است و عدالت اجتماعی نیز جز از راہ وفاء بہ عقود کہ از اہم مسائل شریعت اسلامی است حاصل نمی شود. بار دیگر باید ابتناء این قواعد بر نظام تکوین و فطرت را تذکر داد:

فذكر سبحانه و تعالی أولا ما یتعلق بالنظام العامّ و تثبیت دعائم العدالة الاجتماعیة، و هو الوفاء بالعقود الّتی یدور علیها نظام الحیاة و تتوقف علیها جمیع الحقوق الحیویة الّتی تمسّ حیاة الإنسان الفردیة و الاجتماعیة، و لها قاعدة عریضة تشمل جمیع العقود و العهود، و الوفاء بہا، ممّا تدعو إلیه الفطرة المستقیمة الّتی تبغی الکمال و تسعى إلی الاستکمال.

وی اصول نظام انسانی فردی و اجتماعی را محور تمامی شرایع دانسته و معتقد است این نظام‌ها اساس فلسفه عملیه بوده و با آن انسان می‌تواند حتی به عالم غیب و شهادت نیز مرتبط شود (ن.ک. همان، ۲: ۲۹۳).

وی درباره قوام نظام اجتماعی نیز معتقد است اموری چون تقوی و عمل صالح و تعاون بر نیکی‌ها قوام نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد. هم چنین وی به آسیب شناسی عوامل ایجاد تفرقه پرداخته است:

و قد بنی الإسلام هذه القاعدة الاجتماعية المهمة على ركيزتين، هما: التحلية بالتقوى والطاعة و العمل الصالح، مما يجعل المجتمع وحدة متكاملة له هدف معين و نظام واحد قويم.

بر اساس باور به نظام تکوین به درستی می‌توان عواملی چون کینه توزی و دشمنی و یاری بر گناه را مهمترین عامل انهدام نظام اجتماعی دانست:

فأمر بالتعاون على البرّ و التخلية عن أضرارها، و أكدها بالنهي عن إعانته الإثم، أی: المفسد كالبغضاء و العدوان و مساوئ الأخلاق و غيرها من الصفات السيئة و نهى عن كل ما يعوق عن تنفيذ هذا الحكم و يكون مانعا من تأثيره و سببا في الشقاء و الحرمان، و هو العدوان الذي يجعل أفراد المجتمع أعداء متباغضين ليس لهم هدف و نظام، بل يفكك عرى المجتمع و يهدد كيانه و يفسد سعادته (همان، ۱۰: ۲۵۱).

در گفتارهای دیگر، ایشان ادای امانت، قضاوت عادلانه و... را از مقومات نظام اجتماعی می‌داند. در ادامه همین سخن می‌فرماید:

و لأن قوام النوع الإنساني إنما يكون بأداء الأمانة، و بدونه يختل النظام، فهو أساس كل حكومة و مصدر كل نظام، و عز كل سلطان، و هو روح العدالة، و بحفظ الأمانة تصل الامّة إلى كمالها و سعادتها.

و سر انجام به اساس قوام نظام اجتماعی که طاعت الهی و طاعت منسوبین اوست می‌رسد: و طاعة الرسول و اولى الأمر هي الدستور الأساسي لبناء المجتمع الذي فشا فيهم العدل، و ذلك هو الخير و التفسير الأحسن لتحقيق نظام أفضل، و بعد الانتهاء عن بيان هذه القواعد و النظم التي تعطى الحياة للفطرة البشرية الخادمة و تعرفها (همان، ۸: ۳۲۸).

از دیگر مقومات نظام اجتماعی می‌توان به حفظ آبرو، اموال و جان‌ها اشاره کرد. الأصل الثالث من الأصول الكلية النظامية الثلاثة التي يقوم بها نظام الاجتماع الإنساني، و هي: حفظ الأعراض، و حفظ الأموال، و حفظ الأنفس (همان: ۱۰۴).

همچنین اعتباریات عقلایی و اجتماعی از نظر وی جزو مقومات نظام اجتماعی است:

و العقدۃ من العقد بمعنی الشّد و هما و العهد بمعنی واحد، و فی الآیة استعارة بلیغة حیث شبه عقد النّکاح بالعقدۃ التي یعقد بها أحد الحبلین بالآخر، و جعلها أمرا قلبیا لیبیان أنّ هذه الأمور من الاعبارات العقلاییة التي یقوم علیها نظام المجتمع (همان، ۴: ۷۲).

قانون و قانون مداری نیز از نظر وی یکی دیگر از ارکان استواری نظام اجتماعی است: بل یعد ذلك من الأمور النظامیة الاجتماعیة فإن نظام المجتمع یقوم بالقانون و العمل به و بدونه یکون خرقا للنظام و إشاعة للفساد.

اما از لوازمات اخلاقی که به نظر وی در تنظیم نظام اجتماعی و بلکه نظام عالم دخالت دارد رجاء و رغبت و امل است:

رغبت و امل از اموری هستند که در نظام این عالم دخیل اند. با آمال است که انسان به رویارویی مشکلات و سختی ها می رود و با رغبت است که بازارها قوام می یابند و تجارات صورت می گیرند و با امانت داری است که نظام بدهکاری و بستانکاری سامان می یابد و با رجاء است که انسان در راه عیش و بقا می ماند (همان، ۳: ۳۱۷).

در مطلب دیگری وی با نگاهی عرفانی و با توجه به مبانی ربوبیت غیبی الهی به آسیبهای اجتماعی و راههای برون رفت از آن اشاره می نمایند:

شکی نیست که عالم دنیا با خیالات و اوهام و جهالتها قوام یافته و مردم از حقایق و واقعیات دورند و موجبات فریب انسانها به وسیله شهوات فراوانند و از این روی آیات شریفه قرآن انسان را به سوی حقایقی که فرد بدان در راه راست قرار میگیرد و اجتماع به وسیله آن نظام می یابد رهنمون شده اند (همان، ۶: ۳۶۲).

از نظر وی حقیقت آیات این است که با سفارش به فرد اجتماع در راستای نظام اجتماع حرکت کردن نظام اجتماعی را سامان دهد:

حقیقت آیات این است که با تعافل از آن چیزی که به فرد از اذیت و ناخرسندی دیگران می رسد و نیز با بخشیدن محبوبترین چیزها از مال و مقام و هم چنین تحت اماره عقل و حکمت قرار گرفتن و خود را عضوی جدا ناشدنی از اجتماع دانست به گونه ای که هر آنچه از کمال برای جامعه است برای خود بدانی و هر آنچه از عیب و نقص است از آن خود بدانی نظام اجتماعی قوام می یابد (همان).

در مطلب دیگری نیز ایشان خودسازی فردی را پله نظام اجتماعی و سیاسی نیکو می داند: ان هذا التکلیف من اسباب التکمیل و التهذیب و الصلاح و الإصلاح و ترويض النفس و تربیتها بالفضائل و الکمالات و سعادة الفرد و المجتمع و تحسین نظام الاجتماع و المدنیة (همان، ۶: ۲۲۹).

مدل ارتباطی در این نظام نیز از نظر او دور نمانده و وی به این باور رسیده است که بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین، ارتباط در نظام اجتماعی اسلامی بر مودت و رحمت است: فإنّ الإسلام إنّما بنی العلاقات الاجتماعیة علی المودة و الرحمة لا علی الشقاق و الجدل.

از آنچه ایشان در باره نظام اجتماع گفتند به نیکی پیداست که نظامی که وی ترسیم می‌کند و قوام و بقا آن را به بحث می‌گذارد نظامی الهی است که مبتنی بر نظام تکوین و تشریح است.

نظام المعاش (نظام اقتصادی)

درباره نظام معاش که همان نظام اقتصادی است وی به برخی موارد اشاره نموده است. نظام ملکیت و مالیت، ربا و رشوه، انفاق، میانه روی، عدم حب مال دنیا و احترام مال الغیر برخی از مواردی است که در یک نگاه اجمالی به دست می‌آید. عادلانه بودن نظام اقتصادی از دیگر مواردی است که وی درباره نظام معاش بدان اشاره و تأکید دارد:

الآیات الشریفه تتضمن احكاما الهیة ترشد الناس الی الكمال و تسوقهم الی السعادة فی الدارين، و هی احكام اجتماعیه روعی فیها حفظ اموال الناس و توزیعها وفق نظام متین علی ما بینه عز و جل دفعا للتشاجر و التخاصم. و حفظا لحقوق الأفراد و مراتبهم (همان، ۷: ۳۲۲).

پیوستگی نظام معاش و معاد در این نوشتار مورد تأکید است. در واقع اسلام شامل احکامی است که ضمانت اجرایی وصول به کمال در دنیا و آخرت است. این احکام اجتماعی شرط واصل بودن شان در عادلانه بودن و بر وفق نظام چیده شده از جانب خداوند بودن است. حفظ نظام معاش و اقتصاد نیز به نظر او دو رو دارد. جانب اول در نظام اقتصادی اسلامی تشویق به انفاق و بذل و مال و نهی از بستگی به دنیا و خساست است.

و من ذلك يعرف نظام الإسلام بالنسبة إلى الأموال فهو من جانب يرغب إلى الإنفاق و البذل و الإعطاء و یذم حفظ المال و جمعه و ینهی عن الركون إلى الدنيا و زبرجها. جانب و روی دوم آن حفظ اموال و عدم ریخت و پاش مالی است: و من جانب آخر یحفظ الأموال عن الضیاع و یحرم الابتزاز. و بالآخره اینکه اقتصاد تنها با مقتصد و میانه رو بودن حاصل می‌شود: فكان الحد الوسط بین الإفراط فی حب المال و جمعه و التفریط فی بذله و عطائه (همان، ۴: ۴۶۰).

در سخن دیگری ایشان انفاق را حکمی از احکام اجتماعی نظامیه می‌داند که نظام معاش و معاد بر آن استوار است. درباره علت این ابثناء نیز می‌فرمایند:

من حیث إنها جمیعا ترشد الإنسان إلى ما هو السبیل فی سعاده، و توطئه لما یأتی من الآیات الوارده فی الجهاد من حیث إن بذل المال کبذل النفس من علامات الإیمان، فمن وطن نفسه علی بذل المال هان علیه بذل النفس فی سبیل الله تعالی (همان، ۳: ۳۹۱).

در واقع بذل مال که به عنوان یک رکن اقتصاد مطرح شد به عنوان پایه و اساس خودسازی و تعالی و تکامل انسان نیز هست و این نشان دهنده درهم تنیدگی دوبرال پرواز انسان در نظام اقتصادی اسلام است. نظام اقتصادی اسلام با اصولی چون بذل مال هم سعادت دنیا را سامان

می دهد و هم راه را برای تأمین سعادت آخرت هموار می سازد چه اینکه بذل مال باعث آمدگی انسان برای بذل جان در راه خدا می شود که این مهم هر چند به وقوع هم نپیوندد و نیازی به بذل جان نباشد انسان را به سعادت و کمال رهنمون است. وی درباره گستره انفاق که باعث قوام نظام اجتماعی است نیز بر این باور است که انفاق اعم از انفاق مالی است:

هذا يدل على ما قلناه من أن الإنفاق لا يختص بالمال بل يشمل كل ما ينفع الغير و لا اختصاص لقوله (عليه السلام) بعلم الشريعة بل يشمل كل علم ينتفع به الغير في دينة أو دنياه - ما لم يكن منهيًا عنه شرعاً - كعلم الطب وغيره مما يقوم به نظام المجتمع الذي لا ينافي وجوب إنفاقه أخذ الأجرة عليه، كما بيناه في الفقه (همان، ۱: ۷۳).

از موارد دیگری که به نظر ایشان قوام نظام اجتماعی بدان وابسته است احترام مال دیگران است. این همبستگی آن قدر پررنگ و مهم است که وی عدم احترام بدان را در حکم جنایت بر ضد نوع بشریت و جامعه بشری می داند (همان، ۳: ۹۷).

همچنین در نظام معاش باید کسب ملکیت از راه حلال و شرعی باشد و گرنه آن کسب ملکیت معتبر نبوده و حرام است. ایشان کسب ملکیت از راه حلال را نیز باعث نظم بخشی به ابواب مباحات و مکاسب و تجارات دانسته و آن را قوه برانگیزاننده به سوی فنون و صناعات و زراعت می داند. ایشان دلیل حبیب الهی شدن زارع و کاسب را نیز به کسب حلال ارجاع می دهند (همان، ۳: ۱۰۰).

نظام الاسره (نظام خانواده)

نظام خانواده از دیگر نظام هایی است که توجه سید را به خود جلب کرده است. وی بر این باور است که این نظام به صورت دقیقی در اسلام طراحی شده است تا نظام اجتماعی بدان قوام یابد: النظام الأحسن - و منه نظام العائلة و الاسرة - الذي نظم في الإسلام تنظيمًا دقيقًا، و هدبت علاقاتها حتى تؤدي وظيفتها بأكمل وجه في المجتمع الإنساني، و قد ذكر عز و جل في هذه الآية الشريفة قوامه الاسرة و العائلة، التي هي عمودها المقوم لها، و بدونها تهتم و ينفرد عقدها و تسيء أحوالها و تتخلى عن وظيفتها التي قررت لها، و ذكر عز و جل أن هذه القوامه تتضمن من الأحكام و التبعات التي لا بد من أن يكلف بها الأصلح من أفراد المجتمع، و ليست هي قضية منافسة بين الرجل و المرأة و جدال و صراع بينهما، كما تراه الجاهلية المعاصرة.

نظام خانواده آن گونه که در جامعه شناسی با عنوان نهاد خانواده بحث می شود به عنوان یکی از ارکان مهم نظام اجتماعی شناخته می شود و قوام نظام اجتماعی به نهاد خانواده است. سید نظام خانواده را نیز درون نظام احسن تکوینی و تشریحی می داند و بر این باور است که در اسلام این نظام به خوبی و دقت تنظیم شده است و نبود آن موجب انهدام نظام اجتماعی می شود.

ایشان درباره حکم عده که در اسلام وجود دارد آن را به عنوان یکی از مقومات نظام خانواده بر می‌شمارند:

و هو حکم اجتماعی أدبی یحفظ به نظام الأسرة بعد فقد قیّمها و اهتماما بحقوق الزوجیة بأسلوب رفیع یخفف لوعة المصاب (همان، ۴: ۷۱).

درباره آیه طلاق نیز ایشان معتقدند این حکم نیز از احکامی است که به نظام بودن خانواده و حتی نظام اجتماعی قوام می‌بخشد:

و تتضمن آیات المبارکة أصلا من أصول نظام الزوجیة و الأحوال الشخصیة فی الإسلام بأحسن بیان و أجمع کلام، كما تتضمن قانونا من قوانین النظام الاجتماعی المشتمل علی العدل و الإنصاف فی جمیع الأحوال.

همچنین شرط تحقق نظام خانواده و حتی نظام اجتماعی از نظر ایشان احسان کردن به یکدیگر است که بار دیگر اثرات تکوینی نظام تکوین و تشریح را به رخ می‌کشد:

امرناهم بالإحسان إلی القربا و هو مما تحکم به الفطرة أيضا، لأن بحفظ القربا یتحقق نظام الأسرة، و الاجتماع الذی هو من أهم مقاصد النوع الإنسانی فالإحسان إلیها یقوی أوامر تلك القربا و یصلحها (همان، ۱: ۳۰۹).

نظام‌های دیگر

برخی نظام‌های دیگر نیز در تفسیر وی به کار رفته است که بدان‌ها اشارت‌تیاجمالی می‌شود.

نظام تعلیم و تعلم

و لا یخفی أن بالتعلم و التعلیم یقوم نظام إنسانیة الإنسان و إلیا لبقی علی أصل حیوانیة، و ان بهما یتحقق السیر الاستکمالی له و انهما وسیلة لإخراج ما هو المکنون فی الکنون من الأسرار، و لا یتحققان إلیا بقوانین تنظم شؤون الفرد و المجتمع و ترشده إلی الطریق المستقیم و معلم یهدیهم إلی ذلك (همان، ۲: ۲۹۳).

نظام دینی

الآیة الشریفه تدل علی أن الحکمة فی الأهله هی معرفة الأوقات و تحدید الزمن بها، و قد ذکر سبحانه و تعالی ذلك فی آیه أخرى بیان أوضح و أشمل، قال تعالی: هُوَ الَّذِی جَعَلَ الشَّمْسَ ضِیاءً وَ الْقَمَرَ نُوراً وَ قَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِّینَ وَ الْحِسابَ ما خَلَقَ اللَّهُ ذَکَ إلیا بِالْحَقِّ یُفَصِّلُ الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ [یونس - ۵]، و توقیت الزمان و الحساب من الأمور الضروریة للإنسان فی جمیع أموره و به یرتب شؤون حیاته و نظام دینه، فإن أفعال الإنسان هی من الأمور الزمانیة-أی: الواقعة فی سلسله الزمان- و ذلك یتطلب تحدید الأفعال و تنظیم جمیع الشؤون تنظیماً زمنیا دقیقاً.

نظام العبودیة

کل من أحب شیئا و عشقه لا یحلف بمحبوبه و معشوقه إلا نادرا بل لا یحلف به فی الأمور المهملة و إذا حلف یر بحلفه و لا یحنت و لو أدى إلی بذل النفس و النفس و الله تعالی أحب الموجودات إلی

خلقه و هو تعالی یطلب من خلقه أن یكونوا عبادا له عزّ و جل یأتمرون بأوامره و یبتھون عن نواھیه مطیعین له یراقبونه فی جمیع أمورهم و تنظیم نظام العبودیة یقتضی أن لا یبادروا إلی الحلف به (همان، ۳: ۳۹۵).

نظام طبیعی

و أما أصل البحث أی: (التنازع فی البقاء و بقاء الأصلح) فله وجه سواء لوحظ ذلك بالنسبة إلی قدرة الله تعالی، أو بالنسبة إلی نظام الطبیعة (همان، ۴: ۳۶۳).

نتیجه گیری

مرحوم آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری با نگاهی نظام‌وار به دین به راحتی از عهده اثبات این مهم در مفاهیم قرآنی برآمده است. وی با ترسیم نظام تکوین و تشریح بقیه نظام‌ها را بدان مرتبط می‌داند و بر این باور است که می‌توان به نظام‌سازی در اسلام مبتنی بر نظام تکوین و تشریح همت گمارد. وی خود برخی از نظام‌ها را مورد توجه قرار داده و به بیان کلیات و گاهی نیز جزئیات این نظام‌ها پرداخته است. این نگاه نظام‌وار او که گاهی نیز به شدت با نظریه تشکیل حکومت دینی او پیوند می‌خورد نگاه حکومتی او به اسلام و فقه را نشان می‌دهد.

پیشنهاد

این نوشتار مبتنی بر نوشتار تفسیری سید بود و می‌توان مبتنی بر نوشتارها و درس‌های عمیق فقهی ایشان به راهکارهای ایجاد نظام و نظام‌سازی در فقه شیعی دست یافت. به نظر می‌رسد ایشان نیز جزو قائلین به فقه حکومتی باشند که کنار هم قرار گرفتن این دو اثر می‌تواند به اثبات آن کمک کند.

منابع

- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴
- صاحب بن عباد، کافی الکفاه، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، عالم الکتاب، بیروت- لبنان، ۱۴۱۴.
- ماریو، بانگ، نظام‌گرایی، ترجمه و نگارش محمد عزیز بختیاری، معرفت، شماره ۵۶، صص ۹۸-۱۰۹، مرداد ۱۳۸۱.
- مشکانی، عباسعلی؛ فقهی از کرانه کویر (حیاتنامه آیت الله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، مؤسسه آل‌البیت، بیروت، ۱۴۰۹.
- ؛ مهذب الاحکام فی بیان الاحکام، مؤسسه المنار، ۱۴۱۳.